

انتخابات مجلس ایران

سرافراز بباد الجزایر مستقل

سرانجام مردم رشید و آگاه الجزایر پس از سالها مبارزات مردانه در برابر استعمار مجبور و سرسخت که تا آخرین نفس برای ادامه اسارت ملت غیرتمند و زنده آن سرزمین کوشش و تلاش داشت و از روی جنازه های شهیدان رشید الجزایری عقب نشینی کرد پیروز شدند و آزادی و استقلال خود را بدست آوردند. قهرمانیهای ملت ارجمند الجزایر که با ثبات و پایداریهای کم نظیر در راه آزادی و حق طلبی تجلی یافت صفحه ای بر صفحات کتاب شرف و افتخار با حروف درخشان و درشت افزود. پیکار همه جانبه مردم دلییر الجزایر در راه افتخار و شرف انسانی باید برای تمام ملت های آزاد منش درسی آموزنده باشد و استعمارگران را از مسند خود خواهی بزرآرد و این تجربه تلخ را آویزه گوش خود که در شنیدن حرف حق سنگین و ناشنواست قرار دهند و از این تجربه تلخ پند بگیرند. الجزایر زنده و سرفراز با این همه قهرمانیها سرانجام توانست خود را با تحمل مصائب طاقت فرسایش آهنگ ملل مبارز و آزاد قرار دهد. جادارد که ملت های آزاد جهان بشکرانه پیروزی درخشان الجزایر در کسب استقلال و آزادی جشن بگیرند و بخود شاد باش گویند.

جبهه ملی ایران بدست آوردن استقلال و آزادی را بملت قهرمان الجزایر شاد باش گفته و بار دیگر تبریک میگوید و متاثرو متأسف است که بجهت اختناق شدید و عدم وجود آزادی امکان برگزاری جشن و تظاهراتی که شایسته روز پر افتخار استقلال الجزایر است در اختیارند آرد.

حفظ استقلال قوه قضائیه بر ذمه قضات شرافتمند است

جنب و جوش در زنده اندی هیئت حاکمه این روزها زیاد تر شده - برخی ها با قید و کفیل و بعضیها با التزام - عده ای دیگر با چانه زدن و دوستی و رفاقت و بعلل و جهات سیاسی آزاد میشوند - از چپا و لگن تر و تملی ایران یا کسانی که سالهاست قانون اساسی - یا خونیه های شهید ای راه آزادی را لگد مال کرده و مقدمات ملت ایران را مورد استهزا قرار داده اند برای عوام فریبی بعنوان زندان در قصور و بلغهای خوش آب و هوای پذیرائی کرده یا بدون علت آزاد و یا بجرم آفتاب زد می حاکمه میکنند و یا اساسا تعقیب نمینمایند. آید املت امینی که خود در قانون شکنی و عدم توجه خواسته ها و مقدمات جامعه دست کمی از اسلاف خود و کارگردانان حکومت های ننگین زاهدی و اقبال نداشته است با این ترتیب نمیخواهد اکنون که آفتاب عمرش بر لب بام رسیده با سایر همقطاران در هیئت حاکمه کنار بیاید و حساب صحنه سازیهای یکساله اخیر را تا حدی روبراه کند؟ باین سؤال شخص دکترا امینی با کمال صراحت در کاخ دادگستری تاحدی بانوید خود که صحنه سازیها ب نتیجه رسیده و حالا در زدن و چپا و لگن دیگر میتوانند با خیال راحت نتایج زدیهای خود را بخورند و لزومی ندارد بدولتی که چنین خدمتی را بآنان کرده ستیزه جوئی نمایند جواب داده است. در جهان معمولاً کسی را نمیگیرند مگر بحکم قانون و در زنده نگاه نمی دارند مگر بحکم قانون و آزادی نمی سازند مگر بحکم قانون. ولی در ایران صحبت از همه چیز هست جز قانون - نظام اجتماع ما را هیئت حاکمه بر پایه حکومت جنگل و وحوش مستقر ساخته است و عیج قاعده و آئین بجز قلد ری و زور کوهی حکمفرمانیست و هدف آنها در ره گاری مساعد ساختن زمینه برای چپاول یا باعتراف دکترا امینی ایجاد محیط مستعد برای تمتع از آزالی چپاول شده است. در این میان بعضی ها را برای عوام فریبی میگیرند و عده ای را برای تسویه حسابهای شخصی بزند ان میاند ازند و گروهی را برای ارباب دیران حبس میکنند و دکترا سنجابی و دکترا خنجی و صد ها نفر دیگر از آزادگان را برای آنکه صحبت از قانون و عدل و انصاف کرده اند بازداشت مینمایند. و کسب راکه بعلت چپاول بیت المال و یا مال کردن حقوق اساسی ملت و صد ها اجنایت کبیره دیگر باید طناب دار را بوسید و بجای ره سپار گردند که مندرس ها رفتند. برای هوا خوری - گردش و استراحت بار و یا میفرستند یا به صورت صحنه سازی بجرم آفتاب زد می حاکمه کرده و سبکت و آرام با گرفتن وثیقه آزاد میکنند. در هیچ دوران باند از نه سال گذشته قوه قضائیه کشوری بین گونه باز چه سیاستگرهای هیئت حاکمه قرار نگرفته بود و تا این حد از طرف هیئت حاکمه تحقیر و بی احترامی نبوده بود که مجله تایم چاپ امریکا بخود اجازه میدهد که در شماره مورخ ۲۲ ژوئن ۱۹۶۲ از بازرسان شریف و محترم کل کشور که برای رسیدگی به سوء استفاده های دستگاه سازمان برنامه رفته بود ند چنین یاد کند: ((... ماه گذشته پس از آنکه کلیه سران سازمان برنامه بعلت اینکه بازرسان وزارت دادگستری با " هزاران سؤال احمقانه و نامربوط و دل آزار " استعفا کردند...)). قوه قضائیه کشور که یکی از ارکان ثلاثه مشروطه است بجای اینکه مورد احترام همگان باشد در افکار عمومی وضع ناهنجاری را پیرا کرده است بطوریکه مردم نه تنها بان ایمان ندارند بلکه نسبت بکلیه اعمال آن مذنونند و حق هم دارند چون هیئت حاکمه در این چند ساله دادگستری ایران را بصورتیکه دستگاه برای رسیدگی بامورد رجه دو و سه در آورده است و با وضع قوانین مانند قانون مربوط بتشکیل سازمان اطلاعات و امنیست کشور مصوب اسفند ماه ۱۳۳۵ و قانون طرز رسیدگی بجرایم افسران و افراد و کارمندان ارتش و ژاندرمری و شهرانی کل کشور مصوب خرداد ماه ۱۳۳۹ که رسیدگی بجرائمی را که این طبقه در حین انجام وظیفه مرتکب شده اند بدادرسی ارتش واگذار مینماید و سایر قوانین و مقررات خلاف اصول کلیه دستهای این دستگاه را قطع نموده است. از یک طرف مقررات سیاسی مردم این کشور طبق قسمت سوم از بند (ه) ماده ۲ و ماده ۴ بالاخص از قانون فوق الذکر مصوب اسفند ماه ۱۳۳۵ بمراجع ناصالح مانند دادرسی ارتش و غیره که از لحاظ ماهیت فرمانبرداری مافوق بوده و ارای استقلال نمیباشند واگذار شده است و بالا تر از همه این خود برخلاف اصل ۲۸ متمم قانون اساسی یا اصل تفکیک قوای ثلاثه میباشد چون مرجعی مانند دادرسی ارتش تابع قوه مجریه بوده و واگذاری اختیارات قوه قضائیه بآن در حالت مستقیم قوه مجریه در قضائیه است. از طرفی بموجب قانون فوق الذکر خرداد ۱۳۳۹ اختیارات ضابطه لیسین دادگستری یعنی شهرانی و ژاندرمری از قوه قضائیه گرفته اند و باین ترتیب دست چپ و راست عدلیه قطع شده است. نتیجه این بوده است که برخلاف

کلیه اصول متد اول در نیای متمدن و اصل دهم متمم قانون اساسی که میگوید غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمدیه هیچکس را نمیتوان فوراً دستگیر نمود مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون و در آن صورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتها در ظرف ۲۴ ساعت بعد اعلام و اشعار شود گشته است. دست از آزادگانهایی که بخاطر حفظ قانون اساسی و استقرار حکومت ملی و قانونی اقدام میکنند ماهها در زندانهای شهرانی و قزل قلعه حبس مینمایند و قوه قضائیه نه قدرت دارد سؤال کند که چرا شش ماه است مبارزینی مانند احمد زاده در مشهد و حجازی - سلامتیان - اکبری و خارقانی را در تهران و عدیه ای دیگر در سایر شهرستانها گرفته اید؟ و نه میتواند بپرسد که چرا غارتگران را آزاد کرده اید؟ نتیجه دیگر اینست که قاتلین فقید شهید دکتر خانعلی و شاد روان مهدی کله مر مجازات نمیشوند و بعلمت عدم تسلط دادگستری بضا بطن خود قاچاقچیان عمدیه هر وین و تریاک ول میگردند و عمال درجه سه و معتادان بدبختی که در نتیجه اعمال این جانیان بورطه نیستی افتاده اند بجای اینکه از لحاظ جسمی و روانی و اجتماعی معالجه شوند ماهها در زندانها بسربردند و در محضر دادگاههای جنائی محاکمه و محکوم میشوند. جلی تا سفاست که قضات پاکد امن و دانشمند دادگستری که تعداد آنها کم نیست سکوت را برگزیده اند و اجازه داده اند که دولت گستاخانه استقلال قوه قضائیه را سلب کند و پایه و اساس دستگاه قضائی کشور را منهدم و سودجویی و قلد رری را یکسره جانشین عدالت و انصاف نمایند. دفاع از استقلال قوه قضائیه و امنیت قضائی تنها بدست مردم نیست کسانی که در جریان امور شاهد اعمال نفوذهای نامشروع هستند مسئولیت بزرگتر را بعهده دارند - آنهاست که باید زیر بار قلد رری بیروند و استقامت کنند و از استقلال قضائی خود استفاده نمود و وزنگهای خطر را بصداد آورند و مردم را بکمک بطلبند. آیا ترس چنان سراسر قوه قضائی کشور را گرفته است که کسی را شهامت حرف زدن نیست؟ آیا باید باز شاهد سو جزیه دانات بود و ساکت نشست؟ آیا باز باید بنام عدالت هر نوع بیعدالتی و بنام قانون هر گونه قانون شکنی را تحمل کرد و دم نزد؟ این مسئولیت را اگر امروز قضات دادگستری مطرح نکنند در پریازود فشار افکار عمومی آنها را با چنین مسائلی روبرو خواهد کرد و چه بهتر که دستگاه عدالت کار ارزیابی و سنجش موقعیت خود را در جامعه ایرانی از داخل شروع نماید.

کـ ا ر گـ ر ا ن و آ ز ا د ی

انتقام گرفتن از کارگران یکی از هدهدهای بزرگ دستگاه حاکمه در نه سال اخیر بوده است. در طول این سالها کارگران را از داشتن اتحادیه های کارگری اصیل و متشکل ساختن نیروهای خود محروم کرده اند - هیچ توجه جدی بتأمین احتیاجات آنها نشده و نمیشود. سازمان بیمه های اجتماعی کارگران که در حکومت ملی دکتر مصدق برای تأمین آتیه کارگران ایجاد کردید در طی دوران خفقان بعد از کودتای ۲۸ مرداد بیک مرکز ضد کارگری تبدیل شد - مبالغه هنگفتی از بول کارگران تلف گردید و مصرف برداخت حقوقهای گزاف بنور چشمیه او خرید اتومبیلهای آخرین سیستم و فرستادن و ابستگاه هیئت حاکمه به امریکا و اروپا رسید و با سازش با کارفرمایان حق بیمه قانونی کارگران حیث و میل شد. دستگاه حاکمه ضد ملی که خود را در برابر مردم میبیند از نیروی کارگران - این قشر عظیم و در حال رشد و نمو جامعه بیمناک بود و بطبعاً در قدرت اجتماعی متشکل رت اجتماعی متشکلی را در نقطه منهدم میسازد و چون قشر کارگران را از عناصر روشن و فعال و آگاه اجتماع تشکیل شده خار راه کسانی است که تنها در پی سودجویی و حفظ منافع سرمایه داران و انباشتن عیبهای خود هستند از این رو در هم شکستن قدرت کارگران و جلوگیری از تشکل آنها در نخستین قسمت برنامه غارتگران اموال عمومی و دست نشانندگان بیگانه قرار دارد. بنام مبارزه با افکار ضد ملی کارگران ملی را تحت فشار قرار میدهند و در حالیکه تمام منابع کشور را برای کمک بکارخانه داران تجهیز کرده اند عمر گذری به بهبود وضع کارگران بر نمی آیند. دستمزد کارگران رو به همرفته در این مدت ثابت مانده اما قیمتها از برکت وجود هیئت حاکمه و اجرای برنامه های دستوری اقتصاد ی چند برابر گشته و نتیجه آن شده که خانواده های کارگران بخاک سیاه نشسته اند میلیونها ریال بعنوان وام ظاهر برای ایجاد کارخانه باین و آن باج داده اند ولی بازیکاری رواج دارد و کارگران شاغل هم تحت شرایط نامساعد و ظالمانه قرار دارند و بیبهبادهای واهی اخراج میشوند. صاحبان کارخانه ها که میخواهند بدون درد سر هر چه میتوانند مصرف کنندگان و کارکنان خود را غارت کنند بکمک دستگاه های حکومتی در پی قلع و قمع کارگران هستند. آنها بیبهبادهای صرف نکردن کارخانه ها هم د ائما از بانکها و موسسات دولتی وام میگیرند و هم قیمتهای خود را بالا میبرند و هم پیاپی کارگران محروم را بیکار میکنند. امروز کارگران در شمار محروم ترین و بینواترین قشرهای مردم ایران درآمده اند. هیچ مقامی برای حمایت آنها در برابر فشار کارفرما وجود ندارد. در محیط های کار اصول بهداشتی و مقررات حفاظت صنعتی رعایت نمیشود و در نتیجه هر چند یکبار انفجاری رخ میدهد و خانواده های کارگران با از دست دادن عزیزان خود بی سرپرست میشوند. دستمزد کارگران برای سیر کردن و پوشاندن خود و خانواده های ایشان کافی نیست حتی قانون ناقص ولی پر عرض و طول فعلی کار اجرائی میشود. از زنان و کودکان بیرحمانه در کارگاهها آکار میکشند. مردان را مرخص میکنند و زنان و کودکان را بایک چهارم واحد اکثر نصف دستمزد آنها بر سر همان کارها میگذارند. دولت در برابر کارفرمایان نه خود از منافع کارگران دفاع میکند و نه آنها اجازه تشکیل اتحادیه های آزاد میدهد. دست نشانده گانی هم که بعنوان نماینده کارگران معرفی شده اند بجای دفاع از حقوق صنفی کارگران تنها اجرای اوامرد و کارفرمایان اشتغال دارند. حمایت از کارگران محروم و تقویت سازمانها صنفی کارگری بمنظور بهبود شرایط کار و حفظ حقوق کارگران و کوشش در راه سهم گیری کارگران در ادوار و منافع کارخانه ها از هدهده اولیه نیروهای ملی در راه آزاد کارگرانست.

ا خ ت ن ا ق ا ی ر ا ن

هنگامیکه شوستر امریکائی برای جلب توجه افکار عمومی دنیا و کمک بایران بنوشتن کتاب معروف خود بنام "اختناق ایران" دست زد هرگز تصور نمی کرد که تقریباً پس از نیم قرن مبارزه ایران با اختناق بزرگتسری که ساخته و پرداخته ویرد اخته سیاستهای غلط دولت متبوع او باشد روبرو گردد. امروز بار دیگر افکار عمومی ایران در محاق فشار و تعدی قرار گرفته است. مطبوعات سانسور میشود و از آزادی نطق و بیان و اجتماعات خبری نیست. قلد رری و خود سری مطلق بر تمام شئون مملکت حکم فرماست و نیروهای ملی از هر سو مورد حمله و تعدی عناصر فاسد و قانون شکن قرار میگیرند. در این مدت طویل آیا مردم ایران بقیه فرارفته اند که چنین وضعی در خور آنها باشد یا آنکه این وضع حکومتی که بدید آورنده این اوضاع هستند از خارج بر آنها تحمیل شده است؟ همانطور که در زمان شوستر عوامل خارجی اختناق ایران را بوجود آورده بودند در این عصر نیز مسئولیت ادامه وضع موجود تا حد زیادی بدوش آنهاست هر چند که جهت و منظور این اختناق تغییر کرده باشد اما همانطور که عوامل خارجی در گذشته نتوانستند مردم ایران را برای همیشه در حال اختناق نگه دارند این بار نیز نخواهند توانست تسلط عناصر دست نشانده خود را بر سر نوشت مردم حفظ کنند. مسلمان ملت ایران پیروز میشود و آنها را در این میان حتما خواهد باخت که برخلاف اراده مردم و مصالح ایران رفتار میکنند.